

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

سهیلا وحدتی

۱۴۰۷.۱۰

سنگسار



سه مرد و یازده زن در آستانه سنگسار

با اوج گرفتن فشار افکار عمومی در مخالفت با حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی، سفارت جمهوری اسلامی در لندن اعلام داشت که این حکم اجراء نخواهد شد، و از سوی دیگر رئیس کمیسیون حقوق بشر قوه قضائیه اعلام کرد که سنگسار در قانون این کشور وجود دارد و اجراء خواهد شد.

اکنون بیم آن می رود که حکومت جمهوری اسلامی برای مقابله با افکار عمومی و مخالفت رسمی بسیاری از مقام های سیاسی اروپائی، و برای آنکه نشان دهد که در مقابل فشار خارجی تسلیم نمی شود، ناگهان دست به نابود کردن

محکومین به سنگسار زده و آنها را به شیوه سنگسار و یا اعدام از میان بردارد که سروصدای اعتراض ها و مخالفت ها یکسره بخوابد.

پنهان کاری قوه قضائی

از آنجائی که سنگسار وصله به شدت ناجوری است که با فرهنگ مردم ایران ناسازگار است و افکار عمومی مردم ایران و جهان به شدت به مخالفت با آن می پردازد، قوه قضائی به شدت به پنهان کاری در این مورد پرداخته و سنگسار در گورستانها و یا محل های دورافتاده به صورت مخفی انجام می گیرد. گاه جنازه فرد سنگسار شده به خانواده داده نمی شود.

حتی واژه «سنگسار» در مطبوعات و رسانه های ایرانی ممنوع شده است. راهکار حکومت در مورد سنگسار این است که پنهانی و بدون سر و صدا سنگسار کنید! و دستور جدید این است که اگر در اجرای سنگسار با مشکل فشار افکار عمومی مواجه شدید، اعدام کنید!

عقب نشینی موقت در مورد سنگسار سکینه محمدی آشتیانی

هنگامی که پرونده سنگسار سکینه محمدی آشتیانی با تلاش فعالین حقوق بشر در ایران و جهان مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت، موج مخالفت شدید و گسترده افکار عمومی و مقامات رسمی در جهان باعث شد که سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن با شتاب اعلام دارد که حکم سنگسار سکینه اجرا نخواهد شد. اما گفته نشد که سکینه آزاد می شود، بلکه فقط گفته شد که حکم سنگسار اجرا نخواهد شد. یعنی اینکه سکینه می تواند اعدام شود.

پافشاری بر سنگسار و اعدام برای رفتار جنسی

در پی آنکه سفارت جمهوری اسلامی در لندن در روز پنجشنبه، ۱۶ تیرماه ۱۳۸۹، اعلام کرد که سکینه سنگسار نمی شود، آقای محمد جواد لاریجانی، دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائی، در روز جمعه، ۱۸ تیرماه ۱۳۸۹، یک گفتگوی خصوصی با خبرگزاری ایرنا ترتیب داد تا نشان دهد که جمهوری اسلامی برای افکار عمومی و واکنش های مقامات سیاسی غربی چندان ارزشی قائل نیست و در مقابل فشارهای وارده کوتاه نمی آید. آقای لاریجانی در ابتدا گفت که "اولا مجازات رجم (سنگسار) در قانون اساسی ما وجود دارد اما قضات محترم دادگاهها در شرایط بسیار محدود اقدام به صدور چنین حکمی می کنند." سپس ایشان از "مجازات های جایگزین" صحبت کرد، یعنی اینکه اعدام جایگزین سنگسار شود. آقای لاریجانی نتیجه گیری کرد که "هجمه ای که غرب در این رابطه به راه انداخته، هیچ تاثیری در نظر قضات ما ندارد. اجرای احکام شرع مقدس اسلام مثل رجم، حجاب و ارث همواره با تخاصم و قیاحانه آنها روبه رو بوده و اساسا هر مسأله ای که بوی احکام شرعی داشته باشد با مخالفت آنها روبه رو می شود."

بیم اجرای سنگسار و اعدام

اکنون بیم آن می رود که افراد محکوم به سنگسار هرچه سریعتر یا در خفا سنگسار شوند، و یا به خاطر فشارهای موجود بین المللی مجازات جایگزین اعدام بگیرند و حلق آویز شوند که پرونده ها بسته شود و سروصداها بخوابد. زیرا تا هنگامی که افراد محکوم به سنگسار زنده هستند و در زندان به سر می برند، تلاش های شدید و گسترده برای نجات جان آنان ادامه دارد. از این رو بیم آن می رود که حکومت جمهوری اسلامی برای اینکه نشان دهد که استقلال عمل کامل داشته و به واکنش غربی ها بهائی نمی دهد، به سرعت همه محکومین به سنگسار را به شیوه سنگسار و یا حلق آویز نابود کند و پرونده های آنان را ببندد و همگان را در مقابل عمل انجام شده قرار دهد.

محکومین به سنگسار

سکینه محمدی آشتیانی تنها یکی از چهارده نفری است که ما از صدور حکم سنگسار برای آنان خبر داریم. و این چهارده نفر تنها کسانی هستند که ما از صدور حکم سنگسار برای آنان آگاهی یافته ایم. چه بسا افراد دیگری که در شهرهای کوچک که گزارشگران خبری و مدافعان حقوق بشر در آنجا فعالیت چندانی ندارد در سکوت قربانی سنگسار شده و می شوند. لیست کامل کسانی که در حال حاضر به اتهام "زنای محصنه" - یعنی داشتن همسر و برقراری رابطه جنسی با فردی غیر از همسر - در زندان به سر می برند، در زیر آمده است.

تبریز

- کبری بابائی - مادر یک دختر ۱۳ ساله است. وکیل: محمد مصطفائی
- توضیح: همسر وی، رحیم محمدی در سال ۱۳۸۸ به جرم زنا اعدام شد.
- سکینه محمدی آشتیانی - ۴۳ ساله، مادر دو فرزند، فریده ۱۹ ساله و سجاد ۲۲ ساله. وکیل: محمد مصطفائی
- توضیح: یک بار محکوم به ۹۹ ضربه شلاق شده و حکم در مورد وی اجراء شده است. دوباره به خاطر همان جرم محکوم به سنگسار شده است. فرزندان وی نامه ای خطاب به مردم جهان نوشته و خواستار نجات جان مادرشان شدند.
- آذر باقری - ۱۹ ساله، وکیل: دارد
- توضیح: در ۱۵ سالگی با شکایت همسرش زندانی و در دادگاه محکوم به سنگسار شده است.
- مریم قربان زاده - ۲۵ ساله. وکیل: دارد

ارومیه

- سریمه عبادی (یا سریمه سجادی) - ۳۱ ساله، مادر دو فرزند. وکیل: نامعلوم
- بوعلی جانفشانی - ۳۳ ساله، دارای یک فرزند. وکیل: نامعلوم
- توضیح: این زن و مرد از سوی دادرای عمومی شهر ارومیه در یک پرونده متهم به اتهام زنای محصنه به سنگسار محکوم شده بودند که حکم سنگسار هر دوی آنان در ۱۶ دی ماه ۱۳۸۸ در شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان غربی تائید شد و اکنون در زندان مرکزی ارومیه به سر می برند.

اهواز

- ایران اسکندری - ۳۱ ساله، مادر یک پسر ۱۳ ساله. وکیل: نامعلوم
- توضیح: ایران زنی است از طایفه های بختیاری که در ازدواج اجباری به عقد پسر عمویش درآمد. شوهرش ماه به ماه به خانه نمی آمده است. با پسر همسایه رابطه نامه نگاری و گپ تلفنی داشته و روزی که با هم مشغول گفتگو بودند، شوهرش از دیوار وارد حیاط می شود و به او حمله می کند و او را به شدت کتک می زند. پسر همسایه به کمک او آمده و شوهر را با چاقو به قتل می رساند. وی در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۳۸۴ در دادگاه بدوی در خوزستان به پنج سال حبس تعزیری به دلیل معاونت در قتل و اجرای حد شرعی رجم به خاطر زنا محکوم می شود. این حکم در دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۹ فروردین ۸۵ عینا مورد تائید قرار گرفت. با توجه به شرایط فرهنگی منطقه، ایران اگر از زندان هم آزاد شود، احتمال اینکه از سوی مردان خانواده اش به قتل برسد، بسیار زیاد است.
- خیریه والانیا - ۴۲ ساله، مادر چند فرزند. وکیل: نامعلوم
- توضیح: دلیل محکومیت خیریه این است که ۴ بار به زنا اعتراف کرده است. وی می گوید که قربانی خشونت خانگی بوده و با مردی که شوهرش را کشته رابطه داشته است، اما در قتل شوهرش دخالتی نداشته، اما به اتهام

معاونت در قتل محکوم شده است. شعبه سوم دادگاه عمومی بهبهان در اردیبهشت ۱۳۸۱ خیریه را به اجرای حد رجم (سنگسار) بابت زنا محصنه صادر کرده است. خیریه می گوید: «حاضر اعدام شوم، ولی سنگسارم نکنند. خفه ات می کنند و می میری؛ ولی خیلی سخت است که هی با سنگ بزنند توی سر آدم!» او مطمئن است که اگر آزاد شود، هیچ جایی ندارد برود و برادرانش او را خواهند کشت.

تهران

• اشرف کلهری - ۴۱ ساله. وکیل: نامعلوم

توضیح: اجرای حکم سنگسار اشرف به دستور رئیس قوه قضائی وقت، آقای شاهرودی، متوقف شد و ایشان هنوز در زندان اوین است. وکیل ایشان در گذشته شادی صدر بود که اکنون در خارج کشور به سر می برد.

• فاطمه - سن: نامعلوم. وکیل: نامعلوم.

توضیح: فاطمه در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۴ در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه و به اتهام مباشرت در قتل عمدی و رابطه نامشروع به قصاص و رجم محکوم شد. شوهر فاطمه با مردی به نام محمود که خاطرخواه فاطمه بوده و وارد خانه آنها شده بوده، درگیر می شود و به کمک فاطمه او را به قتل می رساند. "اصغر" شوهر این زن به اتهام معاونت در قتل عمدی و جنایت بر میت به تحمل ۱۶ سال زندان محکوم شده است.

مشهد

• زنی به نام م. خ. - سن: نامعلوم. وکیل: نامعلوم

• زنی با نام فامیلی هاشمی نسب - سن: نامعلوم. وکیل: نامعلوم

توضیح: این دو زن در زندان وکیل آباد مشهد به سر می برند.

رشت

• محمد علی نوید خمایی- نام پدر: صفر. وکیل: نامعلوم

توضیح: در خردادماه ۱۳۸۷ محکوم به سنگسار شد.

ساری

• سید نقی احمدی - سن: نامعلوم. نام وکیل: ابراهیم محمدزاده

توضیح: در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ سه نفر از پنج نفر قضات شعبه دوم دادگاه کیفری استان مازندران حکم به محکومیت آقای سید نقی احمدی به سنگسار می دهند. در این پرونده آقای احمدی متهم به زنا محصن با خانم پوران ق بوده است. در دادنامه صادره آمده است که آقای احمدی متهم ردیف اول که در مجاورت منزل پوران سکونت داشته در غیاب شوهر پوران که محل کارش در سمنان بوده است شبانه وارد منزل وی شده و با پوران زنا کرده است. از جمله دلایل انتساب اتهام: ۱- گزارش اداره امر به معروف و نهی از منکر ۲- اقرار پوران ۳- اقرار سید نقی احمدی بوده است به عبارت دیگر تنها دلیل اثبات ادعای زنا به عنف اقرار متهمین می باشد که در نهایت دادگاه سید نقی را به اتهام زنا محصن با توجه به علم قاضی به تحمل رجم (سنگسار) و پوران را نظر به اینکه به شوهرش به علت عدم حضوری دسترسی نداشته و به دلیل عدم تجمع ارکان زنا، از این اتهام تبرئه می نماید. دو نفر از مستشاران شعبه صادرکننده رأی براین عقیده بوده اند که هر دو متهم باید تبرئه شوند. پس از اعتراض به حکم صادره، این حکم در شعبه ۳۳ دیوانعالی کشور ارسال می گردد و حکم تأیید می شود.

دلیل محکومیت: علم قاضی

یک نکته قابل توجه این است که در مورد همه این افراد، هیچ دلیل موجه و سندی برای ثابت کردن به اصطلاح "جرم زنا" وجود ندارد، و دلیل محکومیت بیشتر آنان "علم قاضی" است. یعنی با وجود اینکه هیچ سند و مدرک و شهادتی در اثبات جرم وجود ندارد (دست کم چهار شاهد برای اثبات زنا ضروری است) قاضی با "علم" خودش تشخیص می دهد که این فرد زناکار است. جالب اینکه در دادگاه های ایران قاضی نمی تواند با علم خودش تشخیص دهد که مثلاً فردی چک بی محل صادر کرده و او را زندانی کند، اما می تواند با علم خود تشخیص دهد که او زنا کرده و او را به سنگسار محکوم کند.

در برخی موارد، فرد با تهدید و شکنجه مجبور به اعتراف می شود و به جای وجود چهار شاهد، کافی است که چهار بار اعتراف کند و بگوید که زنا کرده است تا محکوم به سنگسار شود. این هم بدین معناست که ماموران انتظامی و مسؤولان قضائی به گونه ای فرد را وادار می کنند که به زنا اعتراف کند.

وکیل مدافع؟

با توجه به اینکه بیشتر افراد محکوم به سنگسار از قشرهای محروم اجتماعی هستند، بیشتر آنها از دسترسی به وکیل مدافع از ابتدای پرونده محروم بوده و از همین رو بدون آگاهی به پیامدهای اعتراف، اتهام زنا را می پذیرند تا از فشار مسؤولین راحت شوند بدون آنکه بدانند پایان کار، سنگسار است. از آنجائی که بناء به قوانین ایران، در پرونده هایی که مجازات سنگسار یا اعدام در انتظار متهم است داشتن وکیل ضروری است، برای محکومین به سنگسار وکیل تسخیری در نظر گرفته می شود که متأسفانه بسیاری از آنان به دلیل بی تجربگی یا اهمیت ندادن به پرونده قادر به دفاع شایسته از موکل خود نیستند.

کسانی که در چند سال گذشته سنگسار شدند

دستگاه قضائی حکومت جمهوری اسلامی حق نظارت بر عملکرد خویش را برای شهروندان قائل نیست. از این رو، تعداد کامل و اسامی کسانی که پرونده آنها به دیوانعالی کشور رفته و حکم سنگسار آنها تأیید و اجراء شده است، نامعلوم است. اما کسانی را که دست کم ما از سنگسار آنها از سال ۱۳۸۵ به این سو آگاهی داریم، به شرح زیر هستند.

مشهد

- محبوبه محمدی که گفته می شود با تهدید و شکنجه اعتراف به زنا کرده بود، در اردیبهشت ۸۵ به همراه عباس حاجی زاده سنگسار شد.
- عباس حاجی زاده در اردیبهشت ۸۵ در مشهد سنگسار شدند.
- سه مرد در هفته اول دیماه ۱۳۸۷ در گورستان بهشت رضا در مشهد سنگسار شدند. یکی از آنها به نام محمود که تبعه افغانستان بود توانست از گودال در حالیکه به شدت مجروح بود فرار کند. دو نفر دیگر یکی به نام هوشنگ خداده و دیگری نامعلوم، سنگسار شدند.

قزوین

- جعفر کیانی که به خاطر کمپین، رئیس قوه قضائی دستور داده بود سنگسارش متوقف شود، با دستور قاضی محلی در روستای آخچه کند نزدیک تاکستان قزوین در تیر ۸۶ سنگسار شد.

رشت

- ولی آزاد، اهل پارس آباد مغان، به جرم زنای محصنه در تاریخ ۱۵ اسفند ۸۷، ۵ مارس ۲۰۰۹، در رشت به صورتی مخفی سنگسار شد. جنازه محکوم نیز تحویل خانواده او نشد. حکم سنگسار توسط قاضی حجت الاسلام

کاشانی در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری استان و قاضی جاویدنیا دادستان عمومی و انقلاب صادر و اجراء شد. اما زنی که با وی در این اتهام شریک بود مورد عفو قرار گرفت. سنگسار ولی آزاد توسط سخنگوی وقت قوه قضائی، علیرضا جمشیدی، به طور رسمی مورد تأیید قرار گرفت.

کسانی که به جای سنگسار، اعدام شدند

در پی موفقیت نسبی کمپین «قانون بی سنگسار» و فشار شدید و گسترده بین المللی بر حکومت جمهوری اسلامی ایران به خاطر اجرای حکم سنگسار در دوران ریاست آقای شاهرودی بر قوه قضائی بود، سیاست استفاده از مجازات های جایگزین - یعنی اعدام - به جای سنگسار رواج یافت. باید یادآوری شد که تعداد و اسامی کامل افرادی که در رابطه با حکم سنگسار حلق آویز شده اند، مشخص نیست و آنچه در پی می آید، بیانگر این است که آگاهی ما تنها محدود به این موارد زیر است.

ساری

- عبدالله فریور - ۵۳ ساله، زندان ساری - این معلم موسیقی در تاریخ ۱ اسفند ۱۳۸۷ اعدام شد.

شیراز

- افسانه رحمانی - زندان عادل آباد، شیراز - در سال ۱۳۸۸ اعدام شد.

تبریز

- رحیم محمدی - شوهر کبری بابائی - در مهرماه ۱۳۸۸ اعدام شد.

تهران

- بناء به گزارش های تأیید نشده، زنی به جرم زنا در سال ۱۳۸۷ در یک اتاق در بسته در زندان اوین اعدام شد.

کسانی که از سنگسار نجات یافتند

کمپین «قانون بی سنگسار» که آسیه امینی، شادی صدر و من به کمک وکلای داوطلب و چند تن دیگر در سال ۱۳۸۵ آغاز کردیم، با دفاع حقوقی پیگیر وکیل های داوطلب از متهمین و آگاهی رسانی عمومی موفق شد فشار افکار عمومی مردم ایران و جهان را به آن اندازه افزایش دهد که «شلاق» و «حبس» نیز در ردیف مجازات های جایگزین، جای سنگسار را بگیرد. به این ترتیب برخی از محکومین به سنگسار از مرگ یافتند، از جمله:

- پریسا اکبری (همسر نجف اکبری)، زندان عادل آباد، شیراز - پس از اجرای حکم ۹۹ ضربه شلاق آزاد شد.
- نجف اکبری (همسر پریسا اکبری)، زندان شیراز - تبرئه و آزاد شد.
- صغری مولائی، زندان ورامین، ورامین - از اتهام زنا محصنه تبرئه شد.
- کبری نجار، زندان رجائی شهر کرج - پس از سیزده سال تبرئه و آزاد شد.
- مکرمه ابراهیمی (همسرش جعفرکیانی سنگسار شد)، زندان چوبیندر، قزوین - عفو و آزاد شد.
- حاجیه اسماعیلوند، زندان جلفا، آذربایجان شرقی - تبرئه و آزاد شد.
- شمامه (ملک) قربانی، زندان ارومیه، آذربایجان غربی - تبرئه و آزاد شد.
- زهره کبیری (خواهر آذر کبیری)، زندان رجائی شهر کرج، پس از اجرای حکم ۹۹ ضربه شلاق آزاد شد.
- آذر کبیری (خواهر زهره کبیری)، زندان رجائی شهر کرج، پس از اجرای حکم ۹۹ ضربه شلاق آزاد شد.
- اعظم خنجری
- زهرا رضائی، زندان رجائی شهر کرج، تبرئه و آزاد شد.
- لیلا قمی، زندان اوین، تهران - مجازات سنگسار به حبس تبدیل شد.

تاثیر سنگسار بر فرهنگ مردم

در کشورهایی مثل افغانستان [۱] و سومالی گاه سنگسار بدون حکم قانونی و توسط خود مردم صورت می گیرد. اما در کشور ما سنگسار دست کم در دهه های اخیر سابقه نداشته است. اما با شرعی نمودن سنگسار توسط قانون مجازات اسلامی و اجرای آن توسط حکومت، متأسفانه قشرهای ناآگاه و متعصب جامعه تحت تاثیر فرهنگ شرعی قرار می گیرند و آن را به صورت مجازاتی موجه برای رفتار جنسی نامناسب مورد استفاده قرار می دهند. نمونه دردناک در این مورد سنگسار یک دختر ۱۴ ساله توسط پدرش است که در سال ... در زاهدان صورت گرفت. روزنامه اعتماد، در روز یکشنبه، ۲۸ بهمن ۱۳۸۶، گزارش داد که "پدری با انگیزه ناموسی دختر ۱۴ ساله اش را سنگسار کرد"

بنا بر این گزارش، زن جوانی در حالی که به سر و صورت خود می کوبید و به شدت گریه می کرد نزد ماموران انتظامی زاهدان مراجعه کرد و از قتل دخترش خبر داد. او گفت؛ شوهرم به نام شریف مردی بدبین و بداخلاق است که با من و دخترم بدرفتاری می کرد و در این میان سمیه - فرزند ۱۴ ساله ام - بیش از همه از سوی شریف مورد آزار قرار می گرفت تا اینکه بالاخره همسر من او را به بهانه ای از خانه خارج کرد و به محل نامعلومی برد و پس از آن دیگر نه او به منزل بازگشت و نه خبری از سمیه شد.

پدر این دختر که محمد شریف نام دارد، بالاخره اعتراف کرد و گفت :

"من از چندی پیش متوجه شدم دختر ۱۴ ساله ام رفتارهای مشکوکی دارد. ابتداء سعی کردم با آرامش با موضوع برخورد کنم و با تحقیقاتی که انجام می دهم بفهمم سمیه چرا چنین کارهایی انجام می دهد. او بی دلیل از خانه بیرون می رفت و وقتی دیر هنگام بازمی گشت توضیح قانع کننده نمی داد. بالاخره تاب نیاوردم و با او دعوا کردم ولی این کار نیز فایده نداشت چون فرزندم مرا متهم به بدبینی می کرد و می گفت هیچ کار خلافی انجام نداده است. پس از گذشت مدتی به تدریج به این یقین رسیدم که سمیه با مردی رابطه دارد. آبرویم را از دست رفته می دیدم و تحمل چنین شرايطی و برگزیدن سکوت برآیم مرگ آور بود. بنابراین تصمیم گرفتم سمیه را بکشم و خودم را از این ننگ نجات دهم. در این میان باید شیوه ای را برای کشتن دخترم انتخاب می کردم که او به سزای واقعی کاری که انجام داده بود برسد. بالاخره مصمم شدم وی را سنگسار کنم اما از آنجا که به تنهایی از عهده این کار برنمی آمدم از یکی از دوستانم به نام غفور خواستم به من کمک کند و وقتی از مشکل مطلع شد پذیرفت مرا در کشتن سمیه که لکه ننگی در خانواده بود یاری دهد. غفور چند نفر دیگر را نیز با خبر کرد و محل و زمان اجرای نقشه تعیین شد. روز حادثه دخترم را به زور از خانه خارج کردم و به سمت ارتفاعات هلور کشاندم. او در تمام طول مسیر وحشت زده بود و با اینکه می دانست عاقبت خوشی در انتظارش نخواهد بود اما مطمئن نبود که چه مجازاتی را برای وی در نظر گرفته ام. پس از آنکه به محل مورد نظر رسیدیم دخترم را روی زمین انداختم و سنگسار او را شروع کردیم. سمیه مرتب جیغ می کشید و با خواهش و التماس تلاش می کرد جانش را نجات دهد اما من برای دست یافتن دوباره به آبرویم و داشتن زندگی شرافتمندانه چاره ای جز کشتن او نداشتم."

حساسیت فرهنگی و اعتراض مدنی

با آنکه گزارش اعتماد از عبارت "تکان دهنده" درباره اعترافات محمدشریف که دختر ۱۴ ساله اش را سنگسار کرده است، استفاده می کند، اما گویا هنوز واقعیت اجرای سنگسار توسط حکومت جمهوری اسلامی برای مردم جامعه ما تکان دهنده نیست شاید از آن رو که واقعیت سنگسار در جامعه ما به شدت انکار و سانسور می شود. اما همه ماجرا سانسور و انکار حکومت نیست. روشن شدن پرونده سکینه محمدی آشتیانی حکم سنگسار برای افکار

عمومی در غرب تکان دهنده بود و مخالفت های شدید و گسترده از همه سو به طرف مقامات حکومت جمهوری اسلامی ایران سرازیر شد. اما آقایان کروی و موسوی که هم اکنون نماد وجدان جمعی مترقی جامعه هستند در این مورد کاملاً سکوت کرده اند. مردم ما هم اعتراض مدنی نسبت به سنگسار انجام نمی دهند زیرا تاحدودی واقعیت اجرای سنگسار از سوی جمهوری اسلامی توسط همگان پذیرفته شده است و با خشونت و ارتجاعی بودن رژیم توجیه می شود در حالیکه در غرب می بینیم که سنگسار حتی توسط جمهوری اسلامی و طالبان هم قابل توجیه نیست و به شدت با آن برخورد می شود. باید از خودمان بپرسیم: چرا ما حساسیت زیادی نسبت به سنگسار از خود نشان نمی دهیم؟ آیا آگاهی به ماهیت خشن سیستم مجازات جمهوری اسلامی کافی است که ما سکوت کنیم؟

یادداشت

منابعی که در تهیه این گزارش مورد استفاده قرار گرفته است، مطالب گوناگون موجود روی تارنمای جهانی - از جمله گزارش هائی که توسط عفو بین الملل، فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر، خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، هم میهن، اعتماد، ایرنا، گاردین، وبلاگ محمد مصطفائی و ساقی لقائی (میدان زنان) تهیه شده - و نیز گفتگو با مینا احدی و برخی مدافعین حقوق بشر در ایران بوده است.

با توجه به اینکه دسترسی به اخبار دقیق و به روز شده در مورد همه پرونده های سنگسار برای یک نفر در خارج کشور چندان عملی نیست، از همگان و به ویژه دوستان وکیل، خبرنگار و فعال حقوق بشر دعوت به همکاری می کنم تا لیست اسامی افرادی که در آستانه سنگسار قرار دارند، وضعیت خانوادگی، وضعیت پرونده و میزان دسترسی آنان به وکیل و برخورداری از دفاع حقوقی مشخص شود.

منبع: اخبار روز

یادداشت پورتال:

[۱] - نویسنده محترم، ضمن گزارش تکاندهنده و دلخراش شان از اوضاع ایران در زیر چکمه های خونین اسلام سیاسی، تذکر داده اند که گویا در افغانستان و سومالی مردم خود به چنان توحشی دست می زنند.

به خاطر تصحیح مطلب باید خدمت خوانندگان به عرض برسانیم که ما از چگونگی امر در سومالی اطلاع نداریم، مگر در رابطه با افغانستان با جرأت می توانیم بنویسیم که چنین رسم سخیفی نه تنها از طرف مردم به اجراء گذاشته نمی شود بلکه تا قبل از حاکمیت اسلام سیاسی، حتا یک نمونه آن در افغانستان وجود نداشته است. مردم افغانستان بنا بر حاکمیت فرهنگ مرد سالار چه بسا در برخی مواقع به توحش قتل ناموسی رو آورده باشند، اما هیچ گاهی به عمل سنگسار دست نیازیده اند. زیرا روی همان مناسبات خانوادگی مجازات متخلف را حق خانواده دانسته و به هیچ کس دیگری این حق را نمی دهند تا به طرف دختر و یا خواهر شان سنگ پرتاب نمایند.

چنانچه در آغاز مقاومت ضد روسی وقتی در یکی از قریه های ولایت پکتیا، حزب اسلامی افغانستان - شاخه گلبدین- می خواست زنی را به اتهام زنای محصنه سنگسار نماید، بین نمایندگان حزب و مردم محل درگیری به وجود آمده بیش از ۵ نفر از جانبین گشته شد اما مردم نگذاشتند، تا " متهم " سنگسار شود.

رسم سنگسار در افغانستان با حاکمیت اسلام سیاسی در این کشور به وجود آمده و هیچ ربطی به رسم و رواج و فرهنگ مردم افغانستان ندارد. و ما مطمئن هستیم با برچیده شدن اسلام سیاسی از افغانستان به این قانون ضد انسانی نیز نقطه پایان گذاشته خواهد شد

اداره پورتال AA-AA